

تبیین فرایند تحقق منظر پایدار در شهر معاصر با بهره‌گیری از نظریه شهرسازی منظر^۱

مژده عرفانی - دانش‌آموخته دکترای شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
سید حسین بحرینی^۲ - استاد گروه شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
منوچهر طبیبیان - استاد گروه شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۸

چکیده

در دهه‌های اخیر نگرش‌های متعددی در رابطه با شکل‌گیری «منظر پایدار» در شهرها مطرح و پژوهش‌های گوناگونی در این زمینه انجام شده است. اما آنچه تاکنون قابل تشخیص است، عدم توجه به منظر و رویکرد کل‌نگر آن در حوزه شهرسازی به‌عنوان «رکن اساسی طراحی شهری» است. بر این مبنا تفکر «شهرسازی منظر» با درک منظر به‌مثابه یک پایگاه نظری جدید و «کلی‌نگری» به شهر و پذیرش «عدم قطعیت» شهر معاصر، عرصه موضوعی جدیدی را در رابطه با طراحی منظر در ادبیات جهانی مطرح نموده است. از این رو پژوهش حاضر درصدد تبیین فرایند طراحی منظر شهری پایدار در شرایط متغیر کنونی (در دو بعد روبه و محتوا) با استفاده از رویکرد مبتنی بر نظریه «شهرسازی منظر» است. در این راستا پرسش اصلی پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود که «منظر پایدار» در چارچوب نظری تفکر «شهرسازی منظر»، براساس ماهیت پیچیده شهر معاصر، چگونه تبیین شده و تحقق می‌یابد. متأثر از ماهیت پرسش پژوهش و برای رسیدن به هدف مورد نظر، از روش تحلیل محتوا و تفسیر یافته‌ها استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است که مفهوم پایداری در تفکر «شهرسازی منظر» هم به معنای «ثبات» ساختار اصلی شهر و هم به مفهوم «تغییر» فعالیت و برنامه‌ها مطابق با تغییر شرایط و تقاضاها در طول زمان است. بنابراین می‌توان از چارچوب نظری تفکر «شهرسازی منظر» با ویژگی «عدم قطعیت» و «تغییر» در طراحی «عرصه‌های باز» درون و پیرامون شهر و همچنین «محله‌های شهری» که از قابلیت «انطباق» و «انعطاف‌پذیری» بیشتری برخوردارند، استفاده نمود. در این زمینه تأکید بر برنامه‌ریزی از پایین به بالا، ابعاد مشارکتی، طراحی فرایند محور و برگشت‌پذیر (با قابلیت اصلاح و بازبینی)، تفکری فرارشته‌ای در مواجهه با منظر، همراه با نگرشی از مقیاس کلان به خرد در حوزه منظر شهری و توجه به ارزش‌های موجود در آن باید مدنظر قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: پایداری، منظر، منظر پایدار، شهر معاصر، شهرسازی منظر.

۳

شماره سی

بهار ۱۳۹۸

فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات شهر

شهر

تبیین فرایند تحقق منظر پایدار در شهر معاصر

با بهره‌گیری از نظریه شهرسازی منظر

۱ این مقاله برگرفته از مباحث نظری رساله دکتری نویسنده نخست با عنوان «تبیین اصول طراحی منظر پایدار به منظور معرفی شرایط کاربست تئوری «شهرسازی منظر» در ایران (مطالعه موردی: طرح جامع سیما و منظر شهر کرج)» است که به راهنمایی سید حسین بحرینی و منوچهر طبیبیان در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، به انجام رسیده است.

۱ نویسنده مسئول مقاله: hbahrain@ut.ac.ir

بسط چارچوب نظری این تفکر بر پایه مفاهیم پایداری، بر اهمیت و توجه توأمان به «ابعاد رویه» و «محتوا» در طراحی منظر شهری پایدار، به عنوان رکن اساسی طراحی شهری (فراتر از ابعاد صرفاً کالبدی)، تأکید و نگرشی متمایز را در رویکردهای طراحی محیط و منظر ترسیم نمود. در این راستا مقاله حاضر در پی تأیید بیانی‌های زیراست:

- توجه به مفهوم پویای منظر و «رویکرد کل نگر» آن در شرایط شهری پیچیده امروز، منجر به شکل‌گیری منظری می‌شود که امکان «تداوم» در مقیاس زمان را دارد.

- «ثبات» استخوان بندی اصلی شهر، همراه با «انعطاف‌پذیری» عرصه‌های باز شهری و حوزه‌های محلی در برابر تغییر شرایط نیاز اجتماع، می‌تواند زمینه شکل‌گیری منظری پایدار را در شرایط کنونی فراهم آورد.

- تفکر «شهرسازی منظر» به عنوان رویکردی مناسب برای تحقق منظری پایدار در شهر معاصر، به منظور تبدیل شدن به شیوه‌ای کارآمد در فرایند مطالعات طرح‌های توسعه شهری ایران، علاوه بر «ابعاد محتوایی»، نیاز به آماده‌سازی «بستری» برای تحقق چارچوب نظری خود در حوزه عمل دارد.

در نمودار شماره ۱، ساختار مطالعاتی پژوهش ترسیم شده است.

۲. روش‌شناسی

با توجه به ماهیت بیانی‌های مطرح شده و رویکرد «کیفی» پژوهش، روش تحقیق مقاله حاضر، «تحلیل محتوا» و «تفسیر یافته‌ها» است. «کل‌گرایانه» و «تعمیم‌پذیر بودن» روش تحقیق کیفی (Stake, 1995: 47) و تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند در روش تحلیل محتوا (Hsieh & Shanon, 2005 cited in Iman & Noshadi, 2011: 21)، بدان دلیل حایز اهمیت است که می‌توان از چارچوب نظری تفکر «شهرسازی منظر» و تفسیر ابعاد مختلف آن، همه مفاهیم را در قالب راهنما و نگرشی برای طراحی منظری پایدار در حوزه شهرسازی تلخیص و قابل فهم نمود. از این رو در این پژوهش، سعی بر آن است تا بتوان با بررسی تمامی دیدگاه‌ها و رویکردهایی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نسبت به تفکر شهرسازی منظر وجود دارد، درک محتوای نظری آنها و انطباق آن با مفاهیم پایداری، به استخراج و تبیین اصولی بنیادین برای کاربرد تفکر شهرسازی منظر در حوزه تجربی پرداخت. در این نوشتار، داده‌های مورد نظر با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری و پس از تلخیص و دسته‌بندی آنها، به شیوه توصیفی و تفسیری مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

۳. چارچوب نظری

۳.۱. پایه‌های علمی و فلسفی تفکر شهرسازی منظر

با دگرگونی‌های عظیم شهرها در دهه‌های پایانی قرن بیستم و حرکت از اقتصاد صنعتی به اقتصاد خدماتی، باقی ماندن سطح وسیعی از اراضی پسا صنعتی در داخل بافت شهری و بی‌توجهی

«پویایی» و «تغییرات سریع» از ویژگی‌های بارز شهر در دوران کنونی است که بازتاب آن در منظر و فضاها شهری مشاهده می‌شود. درک صحیح از مفهوم منظر به عنوان پدیده‌ای پویا که همگام با تحول شهر، در حال دگرگونی است، زمینه‌های شکل‌گیری محیطی را که بتواند در مسیر پایداری حرکت نماید، فراهم می‌کند. اما فقدان چنین نگرشی و عدم انطباق سیاست‌های توسعه شهری با ظرفیت زیرساخت‌ها و نیازهای در حال تغییر اجتماع در طول زمان، منجر به ایجاد مناظر و فضاهایی نامطلوب می‌شود که به بزرگترین معضل برای تداوم حیات شهر تبدیل می‌گردد. در شرایط کنونی شکل‌گیری مناظری از هم گسیخته در شهرهای ایران (به ویژه شهرهای بزرگ) که ناشی از رشد سریع جمعیت، توسعه غیرقابل کنترل نواحی، رواج ساخت‌وسازها و بلندمرتبه‌سازی‌های غیراصولی و بدون توجه به توان اکولوژیکی زمین، کاهش سطح فضاهای باز و تخریب بافت طبیعی شهر است، طرح‌ها و سیاست‌های توسعه شهری، به دلیل عدم همخوانی با نیازهای شهرنشینی سریع و شتاب‌آلود، با شکست مواجه شده است. این موضوع آسیب‌شناسی و تحلیل منظر بر پایه مفهوم پایداری را واجد اهمیت و توجه ویژه به بهره‌گیری از رویکردهای نوین دانش شهرسازی به منظور انتقال آن به حیطه عمل حرفه‌مندان را دوچندان می‌سازد.

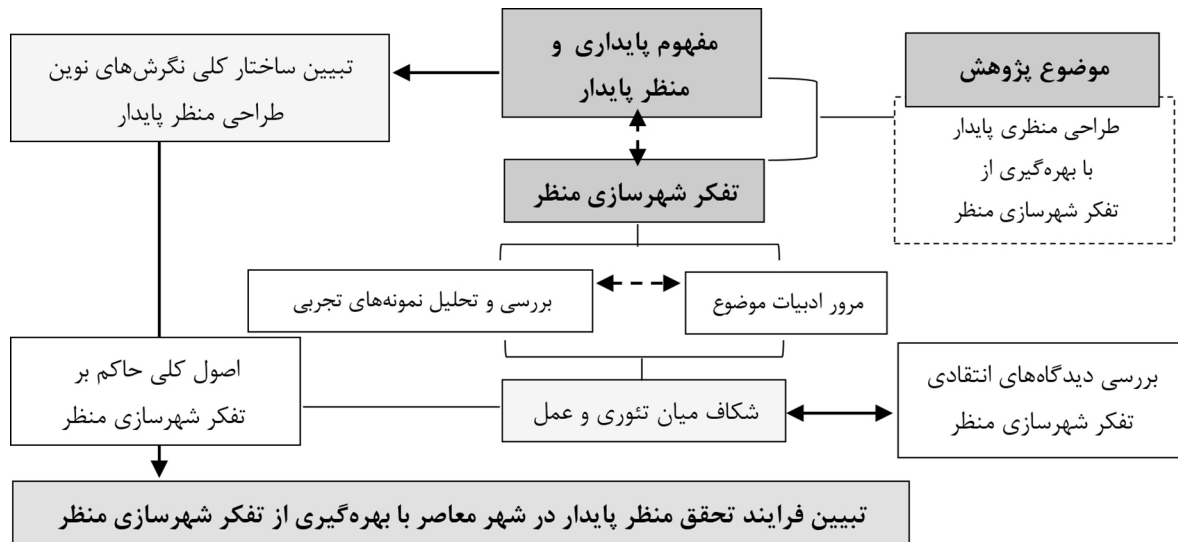
با مطرح شدن موضوع «پایداری» به عنوان مقوله‌ای بسیار مهم برای تداوم زندگی در جوامع جهانی، در حال حاضر تمامی نگرش‌های جدید، خود را متعهد به پایداری در محیط شهری می‌دانند. بر این اساس هدف برنامه‌ریزی و طراحی شهری با رویکرد پایداری، حفاظت از «محیط طبیعی» و «انسان‌ساخت»، به عنوان ترکیبی از عوامل اجتماعی، اقتصادی و کالبدی است. نظریه «شهرسازی منظر» یکی از تفکرات نوظهور جهانی، مبتنی بر طراحی مناظر شهری پایدار بوده که همچنان در حال گسترش مرزهای دانش خود است. نگرش ویژه این تفکر، بر مفهوم «منظر» و توجه به ماهیت «شهر معاصر» به عنوان نظامی پیچیده و در حال تغییر موجب شده است که استفاده از الگوهای برنامه‌ریزی جامع برای شهرها، با راه‌حلی‌هایی ثابت و کلی مورد تردید قرار گرفته و به جای آن اتخاذ راه‌حلی‌هایی با قابلیت «انطباق» با محیط مدنظر قرار گیرد.

بدین ترتیب پژوهش حاضر با هدف دستیابی به «منظری پایدار» در تمامی ابعاد در شرایط کنونی، به تشریح مفاهیم و چارچوب نظری تفکر «شهرسازی منظر»، به عنوان دانشی جدید در طراحی شهری می‌پردازد. قصد بر آن است تا بتوان از این رهگذر، ضمن

- 1 Sustainability
- 2 Landscape Urbanism
- 3 Landscape
- 4 Contemporary city

در این پژوهش منظور از شهر معاصر، شهری پیچیده امروزی و نظامی درهم تنیده از لایه‌های گوناگون طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... است که تحت تأثیر عوامل مختلف به طور دائم در حال تغییر و تحول است.

- 5 Sustainable Landscape



نمودار شماره ۱: ساختار مطالعاتی پژوهش

نگرش نسبت به طراحی شهری و ارائه راه‌حل‌هایی خلاقانه برای پاسخ به نیازها توسعه یافت.

با مروری بر سیر تحول نظریه‌ها و رویکردهای طراحی شهری، چنین به نظر می‌رسد که می‌توان پایه‌های تفکر شهرسازی منظر را تحت تأثیر سه نگرش کلی دنبال نمود؛ ۱. انتقادات وارد بر الگوی طراحی مدرن به‌ویژه در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ م، بی‌توجهی به جنبه‌های فرهنگی - اجتماعی و بروز مشکلات زیست‌محیطی، ۲. توجه به منظر به عنوان مفهومی پویا که متأثر از توسعه دانش اکولوژی و نظریه آشوب دارای قابلیت‌های فراوانی برای مطالعه و طراحی شهرهاست و ۳. مطرح شدن برنامه‌ریزی ارتباطی به دنبال مکتب فرانکفورت و تئوری انتقادی، مبتنی بر برد بسیاری از قطعیت‌ها و ارائه راه‌حل‌های باز و انعطاف‌پذیر.

با نگاهی به شکل‌گیری جریان‌هایی در پاسخ به شکست ایده‌های مدرنیسم، می‌توان نخستین خطوط فکری «شهرسازی منظر» را در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ م دنبال نمود. «تأکید نهضت متابولیسم بر طراحی شهرهایی با مقیاس بزرگ، انعطاف‌پذیر، دارای ساختار قابل گسترش و توجه بر پویایی و قابلیت رشد (Bahrainy, Bolooki & Taghabon, 2009: 154) و همچنین تلاش‌های گروهی با عنوان معماری باز در راستای ارائه طرحی با قابلیت انطباق با نیازها و شرایط مختلف (ibid, 309)، مفاهیم «تغییر» و «انعطاف‌پذیری» را در تفکر شهرسازی منظر نهادینه نمود.

اصولاً تأثیرپذیری تفکر شهرسازی منظر از نقد معماران و شهرسازان پست‌مدرن در رابطه با الگوهای طراحی مدرن، در قالب دو گونه کلی بیان می‌شود: زمینه‌های توجه به طراحی فضاهای شهری با بهره‌گیری از ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی و طبیعی که به طور مستقیم در منظر شهر انعکاس می‌یابد و همچنین اجتناب از به‌کارگیری برنامه‌ریزی‌های جامع و ایستا در برابر شرایط پیچیده و در حال تغییر شهر معاصر. آگاهی معماران و شهرسازان پست‌مدرن در ضرورت توجه به منظر به عنوان فرمی از شهرسازی (Waldheim, 2016: 5)، مدرنیسم را به دلیل عدم توانایی در ایجاد

به فضاهای باز، شروع توجه جدی به مسئله پایداری و شناخته شدن حومه‌نشینی به عنوان یک الگوی ناپایدار، تغییر نگرش‌هایی در تئوری‌های طراحی شهری به وجود آمد و زمینه‌های بروز رویکرد جدید «شهرسازی منظر» فراهم گردید.

بر این اساس ایده‌های اولیه تفکر شهرسازی منظر در اواخر قرن بیستم میلادی، در آمریکای شمالی و در دو دانشگاه هاروارد و پنسیلوانیا به‌عنوان مراکز مهم معماری منظر شکل گرفت و در اروپا تداوم یافت. گراهام شین (۲۰۰۶)، شکل‌گیری این تفکر را به‌عنوان سرفصلی جدید معرفی می‌کند که با استفاده از فناوری اکولوژیکی، به توصیف راهبردهای طراحی برای انحلال شهرهای صنعتی سابق به منظر می‌پردازد (Shane, 2006: 58). در همین زمان، در نظر گرفتن سیاست‌های زیست‌محیطی به عنوان امتیازی رقابتی برای شهرها و توجه به املاک صنعتی قدیمی، فرصت‌های جدیدی را برای توسعه در برابر گسترش بی‌رویه حومه‌ها مطرح نمود (Brown, Dixon & Gillham, 2011: 113). در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که «منظر» تنها عنصری است که قادر به ارتباط اجزای شهر با یکدیگر بوده و این قابلیت را دارد که بتوان از آن به عنوان زمینه و رکنی اساسی برای ایجاد یکپارچگی در شهر استفاده نمود.

بر این اساس به دلیل عدم توانایی معماری منظر در تحلیل، برنامه‌ریزی و طراحی منظر (Weller, 2006: 71) و بحران رشته‌های سنتی در تعامل با محیط ساخته شده معاصر (Muir, 2010: 7) «شهرسازی منظر» به عنوان «یک اخلاق، نگرش و شیوه‌ای از تفکر و اقدام» (Comer, 2003: 58)، در حالتی مشارکتی میان معماران، معماران منظر، طراحان و برنامه‌ریزان شهری شکل گرفت (Lindholm, 2008: 4). بنابراین می‌توان چنین استنباط نمود که «شهرسازی منظر» به عنوان تفکری فرارشته‌ای، با درک پیچیدگی شهر معاصر و شناخت فرایندهای مؤثر بر منظر، به منظور تغییر

1 Grahame Shane
2 Brownfield

تفکر که همچنان در حال تکامل است، بر فرایندها، روش‌های انعطاف‌پذیر و مشارکت به جای روش‌های مقتدرانه در برنامه‌ریزی و طراحی منظر شهرها (بر خلاف شیوه مرسوم در برنامه‌ریزی سنتی) تأکید می‌نماید. نمودار زیر، عوامل مؤثر در بروز تفکر شهرسازی منظر در دهه پایانی قرن بیستم میلادی را نشان می‌دهد. (نمودار شماره ۲)

۳،۲. مفاهیم پایه در تفکر شهرسازی منظر

تفکر «شهرسازی منظر» با رویکردی فرارشته‌ای در مواجهه با مسائل و پیچیدگی‌های شهر معاصر، «منظر» را پدیده‌ای فعال در طول زمان در نظر می‌گیرد و بر ابعاد عملکردی، فراتر از جنبه‌های صرفاً زیبایی‌شناختی آن تأکید می‌کند. توصیف «منظر» نیز از دیدگاه وال^۸ (۱۹۹۹)، به مثابه «زمینه‌ای»^۹ که شهر بر روی آن قرار می‌گیرد و دامنه وسیعی از فعالیت‌های ثابت و در حال تغییر را سازماندهی و حمایت می‌نماید (Wall, 1999: 233)، بر «پویایی» منظر و «فرایند تغییرات» تأکید و آن را به عنوان یک «سطح فعال»^{۱۰} معرفی می‌کند. به بیان دیگر در تفکر شهرسازی منظر، «منظر» جایگزین نقش تاریخی معماری به عنوان بلوک‌های ساختمانی اساسی طراحی شهری می‌شود (Waldheim, 2006: 13). با چنین نگرشی «منظر» در قالب یک «وسیله»^{۱۱} مطرح است که توانایی پاسخگویی به «تغییر زمانی»^{۱۲}، «تحول»^{۱۳}، «انطباق»^{۱۴} و «توالی»^{۱۵} را دارد (ibid, 39). این کیفیت‌ها، منظر را برای درک فرایندهای شهرسازی، به عنوان ابزاری منحصر به فرد که مناسب با «تغییر» شرایط شهری معاصر است، توصیف می‌نماید. بنابراین چنین می‌توان بیان نمود که امروزه منظر شهری به مثابه یک پایگاه نظری جدید در نگاهی کلی به شهر مطرح می‌شود.

به اعتقاد پرومینسکی^{۱۶} (۲۰۰۵)، شکل‌گیری دیدگاه‌های جدید بر منظر، بر سه موضوع: «عدم قطعیت»^{۱۷}، «فرایندها»^{۱۸} و «روابط»^{۱۹} تأکید می‌نماید (Prominski, 2005). این ویژگی‌های منظر در شهر به کارگرفته می‌شود و شهر را به عنوان یک نظام تکاملی توصیف می‌نماید. بنابراین «شهرسازی منظر» با پذیرش شهر و منظر آن به عنوان پدیده‌ای پویا و جریان تغییراتی که کاملاً قابل پیش‌بینی نیست، در پی آن است که با تأکید بیشتر بر فرایند به جای فرم، طرح‌هایی «انعطاف‌پذیر» و «سازگار» با محیط را برای شهر ارائه دهد؛ که نه تنها بتواند پاسخگوی توقعات شهروندان در طول زمان

«یک قلمرو عمومی قابل زندگی و معنی‌دار» برای انسان متهم می‌کند (Waldheim, 2006: 38). ریچارد سنت (۱۹۹۲) در کتاب «چشم آگاه» و ادوارد لوزانو^{۲۰} (۱۹۹۰) در «طراحی سکونتگاه و فرهنگ شهرها» نابسامانی‌های شهرهای معاصر غرب را در میراث نهضت مدرن می‌دانند که راه‌حل‌های کلی را بر مسائل محلی طراحی تحمیل کرده‌اند (Bahrainy & Hosseini Vahdat, 2014: 548). بنابراین درک از عدم توانایی راه‌حل‌های ثابت و کلی نگر در ساخت محیطی معنی‌دار و توجه به ارزش‌های بومی در طراحی، از اصول تأثیرگذار بر تحول نگرش طراحی منظر در دوران پست مدرن است که به نوعی در تفکر «شهرسازی منظر» منعکس گردیده است.

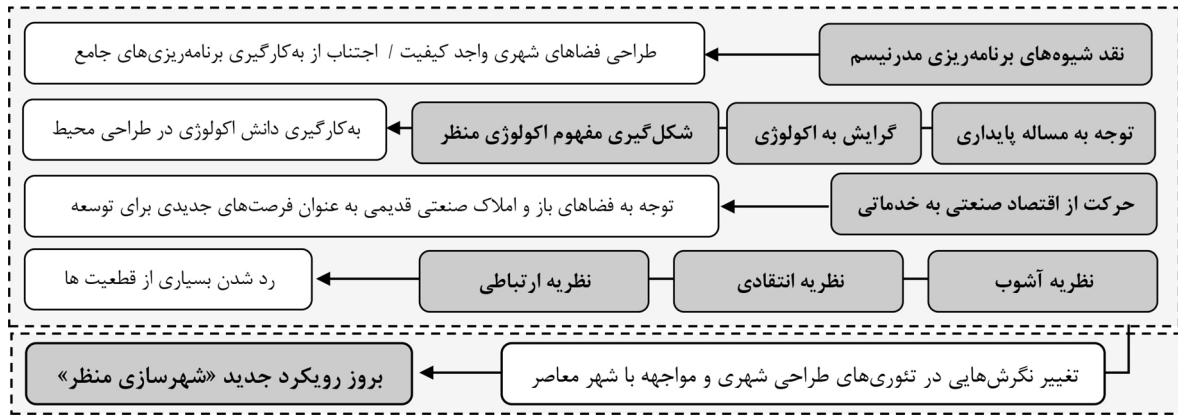
مطرح شدن مفهوم پایداری، شکل‌گیری مفهوم اکولوژی منظر، ظهور نظریه آشوب^{۲۱} و ورود آن به حوزه اکولوژی در دهه‌های پایانی قرن بیستم، در نتیجه‌ای جدید در طراحی منظر شهری به وجود آورد. قاصر ماندن رویکردهای موجود از پاسخگویی و تحلیل شرایط در دهه‌های پایانی قرن بیستم، زمینه‌های کاستی تفکرات مبتنی بر قطعیت علمی را مطرح و رویکردهای مبتنی بر نظام‌های غیرخطی را در حوزه‌های مختلف از جمله منظر، گسترش داد (Masnavi & Soltanifard, 2007: 86-87). والدهایم^{۲۲} (۲۰۱۶) با اعتقاد به ضرورت دانش اکولوژی در پیدایش «شهرسازی منظر» (Waldheim, 2016: 6)، اذعان می‌دارد که در آغاز دهه ۱۹۹۰ م برخی از طراحان و نظریه‌پردازان با بیان پتانسیل نظام‌های اکولوژیکی در «خودسازماندهی» و «باز بودن»، یک چارچوب مفهومی و راهبردی را برای طراحی و مداخله شهری با قابلیت تطبیق خواسته‌های گوناگون کشف نمودند (ibid, 32). بنا بر چنین تحولی، تفکری فراتر از شیوه‌های سنتی برنامه‌ریزی و قادر به شناخت و فهم فرایندهای در حال تغییر شهر و منظر، به عنوان یک نظام پویا و در حال تغییر بروز یافت.

از طرف دیگر، مطرح شدن برنامه‌ریزی ارتباطی از دهه ۱۹۹۰ م و معرفی جامعه‌ای فعال و آگاه، روزه‌ای به سوی رویکردهای اجتماع محور با تأکید بر مقیاس محلی در برنامه‌ریزی (Rafieian, 114: 2012) را باز نمود. چنین نگرشی سبب توجه به جنبه‌های اجتماعی و اختیار عمل شهروندان در شکل دادن به فضاهای شهری گردید که چارچوب نظری تفکر شهرسازی منظر را، همگام با بهره‌گیری از مفاهیم اکولوژی در طراحی انعطاف‌پذیر و سازگار با محیط تحت تأثیر قرار داد.

بر این اساس در نگرش نوظهور «شهرسازی منظر»، بنا بر ضرورت شرایط به وجود آمده، همان‌طور که هاروی (۱۹۸۹) بیان می‌کند، «به جای طراحی «فرمی بسته»، فرایند شهری همچون فرمی «غیرقابل کنترل» و «بی‌نظم» که «تغییر» را در وضعیت‌های کاملاً «آزاد» می‌پذیرد» (Harvey, 1989: 70)، مدنظر قرار گرفت. این

- 1 Richard Sennett
- 2 Edward Lozano
- 3 Landscape Ecology
- 4 Chaos Theory
- 5 Waldheim
- 6 Self-organizing
- 7 Open-ended

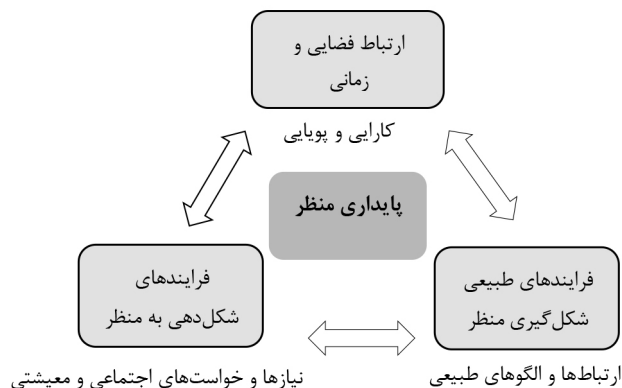
- 8 Wall
- 9 Field
- 10 Active Surface
- 11 Medium
- 12 Temporal Change
- 13 Transformation
- 14 Adaptation
- 15 Succession
- 16 Martin Prominski
- 17 Indeterminacy
- 18 Processes
- 19 Relations



نمودار شماره ۲: عوامل موثر در بروز تفکر شهرسازی منظر در جهان

باشد، بلکه «قابلیت انطباق» با محیط را نیز داشته باشد. در این راستا تفکر شهرسازی منظر با درک رویکرد کل‌نگر و مفهوم پویای منظر در بستر پایداری، قادر است زمینه‌های شکل‌گیری نگرشی نوین برای طراحی «منظری پایداری» را در شهر کنونی فراهم آورد. در رویکرد «پایداری»، منظر شهری به مثابه یک «ساختار اجتماعی-فضایی پایداری» (Golkar, 2008: 109) مطرح می‌شود و «بر مطالعه ارتباطات فضایی و تداخلات عملکردی بین اکوسیستم‌های طبیعی و مصنوع و ارزش نهادن بر طبیعت به عنوان یک نظام ارزشی تأکید می‌گردد» (تصویر شماره ۱) (Aminzadeh, 2015: 37). از این رو در تفکر شهرسازی منظر، با ارجاع به واژه آلمانی لندشافت^۱ (Spim, 1998: 21; Corner, 1999: 154)، «منظر» در ترکیبی از فرآیندهای طبیعی و فرهنگی، برای خلق مکانی جدید که به وسیله عملکردها و فرایندها تعریف می‌شود، مدنظر قرار می‌گیرد. به اعتقاد کرنر (۱۹۹۹)، منظر در این تفکر، حالتی عمیق از ارتباط میان الگوهای تصرف زمین، فعالیت و فضا دارد که محیط، نظام‌های زیستی و دست‌ساخته‌های بشر را با یکدیگر ادغام می‌نماید (Corner, 1999: 156-154). بنابراین پدیداری مفهوم پایداری در منظر، سبب توجه به فرایندهای طبیعی در تعامل با سایر نیروهای مؤثر بر شکل‌گیری منظر (عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و

فرهنگی) می‌شود. با تعریف لینچ از مفهوم پایداری به عنوان «میزان مقاومت عناصر در مقابل فرسودگی، زوال و دارا بودن توانایی فعالیت طی دوره طولانی» (Lynch, 2005: 144)، می‌توان این گونه بیان نمود که اساس مناظر پایدار آن است که به جای حرکت به سمت اختلال عملکرد، با برقراری توازن میان «فرم، عملکرد و بازتاب آن در معنا» (Selman, 2007: 106) و همچنین تعامل میان عوامل مختلف شکل‌دهنده آن، به بازسازی و احیای خود بپردازند. اما باید توجه نمود که تحقق مفهوم پایداری که بیشتر یک فرایند است تا مجموعه‌ای از ادراک‌های خشک (Krizek & Power, 1996: 13)، علاوه بر موضوعات محتوایی و برقراری تعادل میان ارکان مختلف آن، به نگرشی رویه‌ای در خصوص نحوه اجرای سیاست‌ها و راهکارها نیاز دارد. در نتیجه نقش شهرسازی در این زمینه، یک استراتژی متعامل دوسویه است (Bahrainy & Maknoon, 2001: 47). به‌گونه‌ای که «در بعد محتوایی، برنامه‌ریزان باید طرح‌هایی با نگرش دوراندیشی برای ارتقای پایداری در شهرها ارائه دهند و در بعد رویه‌ای، به تنظیم فرایندهایی برای تصمیم‌سازی پایداری بپردازند» (Campbell, 1996: 305). در این زمینه تأکید بر نقش دولت محلی در برنامه‌ریزی و نحوه اتخاذ سیاست‌های توسعه شهری، «مشارکت، به عنوان یک اصل پشتیبان در ایجاد محیطی

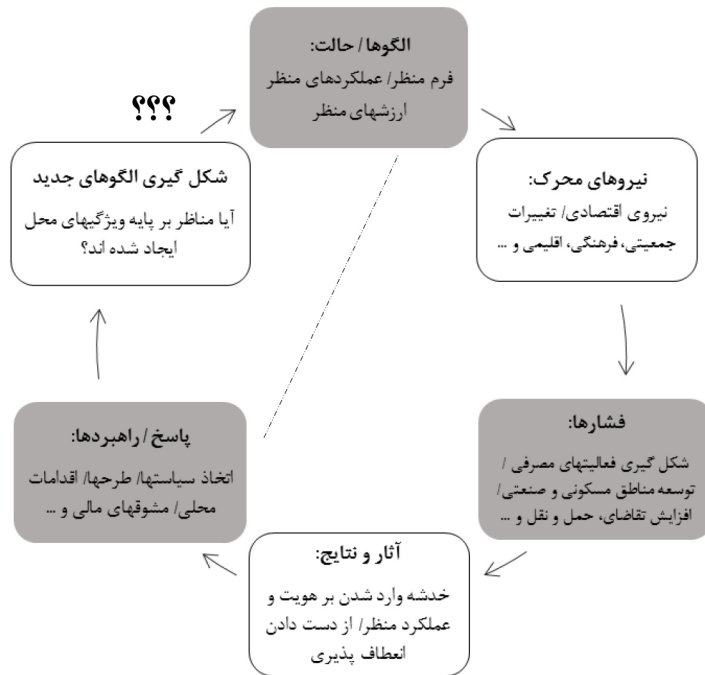


تصویر شماره ۱: پایداری اکولوژیک منظر- ماخذ: Aminzadeh, 2015: 42

شماره ۷
بهار ۱۳۹۸
فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر
تبیین فرایند تحقق منظر پایدار در شهر معاصر
با بهره‌گیری از نظریه شهرسازی منظر

شرایط و بستر مطلوبی را برای تحقق ایده‌های پایداری در محیط فراهم آورد. ارتباط مناسب میان جامعه و محیط که به طور مستقیم در منظر آن منعکس می‌شود و اتخاذ راه‌حل‌های بهینه از سوی متخصصان و مسئولان شهری در مواجهه با آثار سوء پیش آمده، می‌تواند حرکت منظر در مسیر پایداری را تداوم بخشد (تصویر شماره ۲).

پایدار" (Elkin, 1991 cited in Moughtin, 2005: 18) و همگام با آن "آموزش به صورت مستقیم، فعال و مشارکتی" (Bahrainy, Valad, 2018)، بسیار حایز اهمیت است. به اعتقاد گلکار (2011) از آنجایی که بحران در منظر شهری، نشان‌دهنده بحران در روند طراحی و فرایندهای توسعه و مدیریت شهری است (Golkar, 2011: 163) تعامل میان شهرسازان، شهروندان و دولت محلی در جامعه‌ای فعال و آگاه، می‌تواند



تصویر شماره ۲: چارچوبی برای درک و هدایت تغییر منظر در محدوده شهرها
 ماخذ: با اقتباس از Selman, 2012: 44 / Selman, 2007: 115

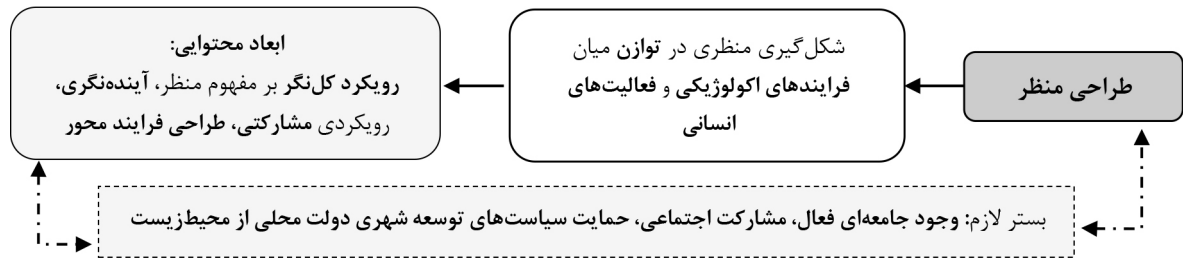
را برای فرایند طراحی و برنامه‌ریزی انعطاف‌پذیر و ارائه راه‌حل‌های متنوع، در شرایط شهری در حال تحول امروزی فراهم نمود. در این راستا شفافیت و فراگیر بودن سیاست‌های دولت محلی در انطباق با بستر طبیعی و الگوهای مطلوب منظر و مشارکت اجتماعی شهروندان، موجب تداوم فرایند پایداری می‌گردد (تصویر شماره ۳).

۳.۳. اصول و روش‌های تفکر «شهرسازی منظر»
 بهره‌گیری از مفهوم اکولوژی در زمینه برنامه‌ریزی، موضوع جدیدی نیست. مک‌هارگ در کتاب "طراحی با طبیعت"، بر ابعاد اکولوژیکی در برنامه‌ریزی شهر تأکید می‌کند (Mcharg, 2007). اما امروزه "پارادایم جدید اکولوژی، متفاوت با روش‌های برنامه‌ریزی مک‌هارگ است" (Hill, 2001 cited in Weller, 2008: 257). پرداختن به برنامه‌ریزی بزرگ مقیاس و توجه به فرایندهای اکولوژیکی فارغ از نظام‌های فرهنگی (Muir, 2010) از جمله انتقادات وارد بر روش‌های برنامه‌ریزی اوست. در حالی که مطابق با مفهوم «اکولوژی شهری مدرن»^۴ انسان‌ها بخش جدایی‌ناپذیر

آن^۱ (2013) اذعان می‌دارد که با پذیرش شهر و منظر به عنوان نظام‌هایی «خودسازمان‌دهنده» و «پویا» (Ahem, 2013: 1203)، «عدم قطعیت» و «انطباق» مهمترین چالش‌ها و موانع برای پیاده‌سازی طرح‌های منظر شهری پایدار به شمار می‌آیند (ibid, 1205). بر این اساس تامیسون^۲ و استینر^۳، «اکولوژی» و «خلاقیت» را به عنوان اصول اساسی طراحی «منظر پایدار» معرفی می‌کنند (Irani Behbahani & Razi Moftakhar, 2005: 91). اما همان طور که در تحقق مفهوم پایداری بدان اشاره گردید، در طراحی منظر پایدار در قالب یک فرایند، علاوه بر عامل خلاقیت و رعایت اصول اکولوژیکی، مشارکت گروه‌های مختلف (Aminzadeh, 2015) و تمرکز بر موضوعات و قابلیت‌های محلی و اجتماعی (Roe, 2007: 81) از اهمیت بسیاری برخوردار است. بنابراین می‌توان با رویکردی مشارکتی، بهره‌گیری از رویکرد کل نگر و درکی صحیح از نیروهای مؤثر بر منظر، حفظ و ارتقای پتانسیل‌های اکولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و ... موجود در آن، بستری مناسب

1 Ahem
 2 George F. Thompson
 3 Fredrick R. Steiner

4 Modern Urban Ecology



تصویر شماره ۳: فرایند تحقق منظر پایدار

راهبردهای در حال توسعه است که می‌تواند با فرایندهای نامعین شرایط شهری معاصر مطابقت نماید. با چنین ویژگی‌هایی، شهروسازان منظر خود را از هر ایده شی‌محوری، از جمله "شهر سبز"^۳ (Corner, 2003: 60) و یا نوشهرسازان^۴ که در جستجوی بقا از طریق باززنده‌سازی فرم‌های شهری سنتی هستند^۵ (Thompson, 2012: 11) متمایز می‌کنند. به عقیده مویر^۶ (۲۰۱۰)، "آنچه دارای اهمیت است، احتمالاتی است که این نوع از تفکر می‌پذیرد و منجر به ارائه راه‌حل‌هایی و رای راهبردهای سنتی قابل تصور می‌گردد"^۷ (Muir, 2010: 134). بنابراین با بهره‌گیری از تفکر شهروسازی منظر که «احتمال» بخش جدایی‌ناپذیری از آن تلقی می‌شود، می‌توان برنامه‌ریزی و طراحی انعطاف‌پذیرتر و سازگارتری را در قلمرو شهری ارائه نمود.

در این رابطه آلن^۶ به منظور فعال کردن فضا، با تغییر توجه «از شی به زمینه»^۷، به عنوان پدیده‌ای پایین به بالا که از طریق ارتباطات محلی پیچیده تعریف می‌شود (Allen, 1997) و ترک طراحی موضوع محور، از یک «چارچوب انعطاف‌پذیر» در شهر معاصر (Allen, 2001) صحبت می‌کند. ایده‌های او با تأکید بر فرایندها، توجه به فرم میان اشکال و همچنین بیان روابط و تأثیرات نشان می‌دهد شهروسازی در شرایط کنونی، بیشتر از آن که به معماران و برنامه‌ریزان وابسته باشد، برای توسعه در طول زمان، به شهروندان خود وابسته است. به طور کلی با نگاهی تحلیلی بر دیدگاه‌های آلن (Allen, 2001؛ Allen, 1997) در پذیرش منظر به عنوان زمینه، به چندین نکته کلیدی در رابطه با تفکر شهروسازی منظر می‌توان اشاره نمود: توجه به برنامه‌ریزی از پایین به بالا، مشارکت شهروندان، آزادی و اختیار عمل در حوزه محلی در عین حفظ ساختار کلی، انعطاف‌پذیری، توجه به فضای بینابینی فراتر از فرم نهایی و قابلیت زمینه (منظر) در هم‌پیوندی اجزای گوناگون از طریق قواعد کلی. بر این اساس آلن در خلق محیطی انعطاف‌پذیر در شهر معاصر، با نگرشی محتوایی و رویه‌ای، رویکرد مشارکتی را (که می‌توان تحت تأثیر ترویج برنامه‌ریزی ارتباطی در دهه ۱۹۹۰ م دانست) از الزامات فرایند طراحی عرصه‌های باز و حوزه‌های محلی مطرح می‌کند.

مطالعات اکولوژی شهری به شمار می‌آیند (Parivar, Parasto & et. al, 2013: 124). گرچه رویکرد مک‌هارگ باعث نزدیکتر شدن مردم به طبیعت می‌شود، اما شهروسازی منظر در تلاش است تا مردم و طبیعت را در یک مکان، کنار یکدیگر قرار دهد (Steiner, 2011: 335). بر این اساس، شهروسازی منظر پیشنهاد می‌کند که راهبردهای طراحی می‌توانند نظام‌های فرهنگی و طبیعی را در تعامل با سایر عوامل مؤثر بر منظر (اقتصادی، سیاسی و اجتماعی)، از طریق انعطاف‌پذیر بودن طرح‌ها در بر بگیرند. طراحی پارک فرش کیلزا در سایت محل دفن زباله نیویورک (۲۰۰۱ م)، طرح پارک های لاین^۸ منتهن در مسیر تاریخی راه‌آهن شهر (۲۰۰۴ م) و طرح بندرگاه شهر تورنتو (۲۰۰۷ م) از نمونه‌های تجربی بسیار موفق تفکر شهروسازی منظر در این زمینه به شمار می‌آیند (جدول شماره ۱).

این نگرش همچنین با بهره‌گیری از دانش اکولوژی منظر در "درک منظر شهری به مانند موزاییکی از اکوسیستم‌های محلی و فعالیت‌های انسانی" (Forman 1990 cited in Lee 2008, 13)، در تلفیقی از فرایندهای طبیعی و اجتماعی (Aherm, 2013) و چگونگی تداخل فرایندهای اکولوژیکی با شکل زمین در مقیاس‌های مختلف از خرد تا کلان (cited Masnavi & Soltanifard, 2007: 88) (Bell 1999 in)، علاوه بر «پویایی منظر» و «طراحی فرایند»، بر «تغییر مقیاس» اشاره دارد. در این رابطه کرنر (۲۰۰۶) با تعریف «سطوح افقی» به عنوان «حوزه اقدام» تفکر شهروسازی منظر که طیف گسترده‌ای از مقیاس‌های گوناگون در سطح شهر (از پیاده‌رو تا خیابان و کل زیرساخت‌ها) را در بر می‌گیرد (Corner, 2003: 60)، بر ویژگی «تغییر مقیاس» تأکید می‌نماید. حال از آنجایی که تفکر شهروسازی منظر از دانش اکولوژی در تعریف شهر، اصلاح و بهبود منظر شهری کمک می‌گیرد (Thompson, 2012) و حوزه فعالیت آن نه تنها به شهر، بلکه به کل منظر مربوط می‌شود (Weller, 2006: 73)، می‌توان چنین استنباط نمود که این تفکر ارتباط نزدیکی با برنامه‌ریزی اکولوژیک شهر دارد. بنابراین از اصول بسیار مهم و حایز اهمیت این تفکر، مطالعه، تحلیل و طراحی یکپارچه منظر شهری، طی یک فرایند باز و پویا، از مقیاس کلان (برنامه‌ریزی اکولوژیک منظر) تا خرد (طراحی عناصر شهری) است.

به طور کلی ایجاد چنین چارچوب‌هایی در تفکر شهروسازی منظر، متفاوت از رویکرد برنامه‌ریزی مرسوم و تهیه طرح‌های جامع است. این رویکرد، شیوه جدیدی از تفکر طراحی محیطی و روشی نو برای

3 Green City
4 New Urbanism
5 Muir
6 Allen
7 From Object to Field

1 FreshKills Park
2 High Line Park

برای ارتقای کیفیت فضایی منظر، مفهوم مشارکت عمومی، مرحله بندی طرح های شهری بلندمدت و ارزیابی آنها، از جمله ویژگی های حایز اهمیت در طراحی های او به شمار می آید. توجه کولهااس به عملکرد فضاهای باز به عنوان رکن اساسی طرح، فراتر از نحوه آرایش ساختمان ها، ثبات ساختار اصلی شهر همراه با انعطاف پذیری حوزه های محلی، تداعی کننده چارچوب انعطاف پذیر و راهبردهای زمینه آن، وال و کرنر در مقیاس کل شهر است. به اعتقاد پرومینسکی (۲۰۰۵)، تمامی این راهبردها، به عدم اقتدارگرایی در نقش طراح اشاره نموده و به نوعی نقش مرسوم و سنتی او را به چالش می کشد (Prominski, 2005). بنابراین طراح باید راه حل هایی خودسازمان دهنده را برای مکان، در حالی که می تواند آینده را پیش بینی کند، در ذهن بیوراند. این موضوع به دو نکته کلیدی و مهم اشاره دارد. یکی نقش جدید طراح است که وی نمی تواند به طور کامل، مکان را تحت کنترل خود درآورد، بلکه باید بخشی از فرایند شکل گیری محیط را به مردم بسپارد. نکته کلیدی دیگر «فرایند طراحی برگشت پذیر» و «ارزیابی» طرح به منظور بررسی میزان انطباق آن با محیط است.

از سوی دیگر رویکرد اکولوژیکی مورد استفاده در نمونه های معرفی شده (به ویژه طرح جامع بندرگاه شهر تورنتو و پارک داونس و یو) می تواند ابزار قدرتمندی برای طراحی قلمروهای شهری ایجاد نماید که در آن زیرساخت های شهری مکمل نظام های طبیعی می شوند. از این رو نحوه کاربرد صحیح انگاره ها و اصول شهرسازی منظر نیاز بدان دارد تا فعالان در این زمینه، درک درستی از موضوعات اکولوژیکی و ارتباط آن با سایر نظام های موجود سایت در محدوده مورد مطالعه داشته باشند. با تحلیلی بر مباحث نظری و تحلیل ویژگی های مهم نمونه های تجربی شهرسازی منظر، در تصویر شماره ۴، اصول کلی حاکم بر تفکر شهرسازی منظر ارائه شده است.

۳.۴. بررسی دیدگاه های انتقادی

انتقادات وارد بر تفکر «شهرسازی منظر» می تواند در سه گروه مباحث نظری، عملی و شکاف میان آنها دسته بندی شود. انتقادات محتوایی، به مبهم بودن برخی مفاهیم (Duany and Payton, 2013; Weller, 2006; Talen, 2013) اشاره می کند. توجه بیش از حد به طبیعت و اغراق در بیان ارزش های اکولوژیکی (Duany and Talen, 2013)، نگرش نامشخص نسبت به پراکندگی شهری (Weller, 2008)، ناتوانی در پرداختن به الگوی سکونتگاه ها (Shane, 2006)، ناپایداری اقتصادی به دلیل ماهیت تغییر (Duany & Talen, 2013) و نادیده گرفتن جنبه های اجتماعی (Thompson; Duany & Talen, 2013; Payton, 2013)؛ از جمله انتقادات وارد بر چارچوب نظری تفکر شهرسازی منظر است. در حالی که تحلیل مباحث نظری و تجربی این تفکر در پژوهش حاضر نشان می دهد که همراه با توجه بر ارزش های اکولوژیکی مکان، ابعاد هویتی و اجتماعی نیز مورد تأکید بوده است. گرچه ممکن است در برخی موارد از جمله طراحی پارک داونس و یو در تورنتو، اثر کولهااس، ابعاد زیست محیطی بیشتر از

وال (۱۹۹۹) با بهره گیری از ایده های آلن (۱۹۹۷) و درک منظر به عنوان یک «سطح فعال»، این تأثیرات را با طراحی «برنامه ها»^۱ به جای فرم، برای دستیابی به انعطاف پذیری در فضای شهری معرفی می کند (Wall, 1999). به اعتقاد او طراحی باید به نحوی صورت بگیرد که پویا، موقتی و فاقد قطعیت بوده و به نیاز انسان ها، بدون از بین بردن زیرساخت های شهری پاسخ دهد (ibid). بنابراین شاید بتوان چنین استنباط نمود که وال در برخورد با شهر، «ساختار اصلی» شهر را واجد «ثبات» و «ساختار فرعی» را دارای قابلیت «تغییر» و انطباق با نیازهای شهروندان در طول زمان در نظر می گیرد. در واقع استان آلن (۱۹۹۷) و الکس وال (۱۹۹۹) با بررسی و تحلیل ایده های رم کولهااس^۲ برای پارک دلاولیت پاریس^۳ (۱۹۸۲) و طراحی شهر جدید ملون - سنار^۴ فرانسه (۱۹۸۷) (جدول شماره ۱)، به توسعه نظری دانش شهرسازی منظر پرداخته اند. در تداوم طرح ایده هایی برای کاربردی نمودن تفکر شهرسازی منظر، باخ^۵ (۲۰۰۸) با بهره گیری از ایده کرنر در رابطه با «افقی بودن» منظر به عنوان سطحی ضخیم (Corner, 2006)؛ راهبردهای خود را برای طراحی شهر در قالب سه لایه علامت گذاری^۶، زیرساخت^۷ و انطباق^۸ تعریف می کند. بر اساس دیدگاه باخ، دو لایه نخست، معادل راهبردهای برنامه ریزی سنتی هستند. لایه سوم، شامل بعد فرایندگراست که بر مدل برنامه ریزی انعطاف پذیر منطبق می شود. بنابراین دو لایه نخست، باید قادر باشند که در طول زمان برنامه های جدید را در بر گیرند و کاربری های متفاوت را بدون نادیده گرفتن ساختار کلی طرح مطابقت دهند (Bach, 2008: 53 cited in Assargard, 2011: 86). با توجه به هزینه بر بودن تغییر عملکرد زیرساخت های شهری به لحاظ اقتصادی، باخ این گونه فرض می کند که این راهبردها بهترین کاربرد را در پروژه های بزرگ مقیاس و یا کوچک مقیاسی دارد که به میزان کمتری تثبیت شده اند (ibid, 90). بنابراین مطابق با دیدگاه آلن، به نظر می رسد که این راهبردها باید در مکان هایی مدنظر قرار بگیرد که از آزادی بیشتری در برنامه ریزی و طراحی برخوردارند؛ از جمله عرصه های باز شهری، حوزه های محلی و همچنین سایت های بزرگ مقیاسی که طراحی آنها در یک دوره زمانی بلندمدت با امکان بازبینی و اصلاح تعریف شده است.

مطابق با جدول شماره ۱ که چندین نمونه موفق از تجربیات شهرسازی منظر شرح داده شده است، در زمینه توسعه شهری، ایده کرنر در رابطه با «افقی بودن» منظر و قابلیت آن در پیوستگی اجزای گوناگون، پتانسیل بالقوه ای را برای پروژه های شهرسازی منظر ارائه می دهد. تحلیل انواع نظام ها و ویژگی های طبیعی و انسان ساخت و استفاده از تمامی پتانسیل های موجود

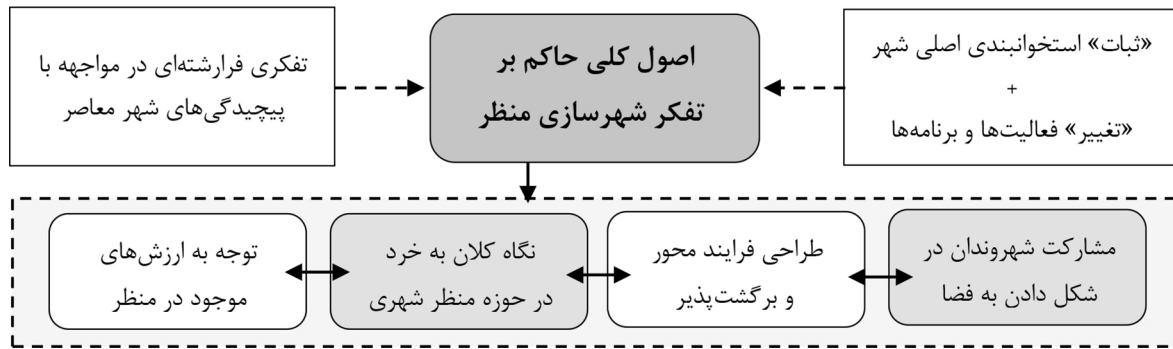
- 1 Programs
- 2 Rem Koolhaas
- 3 Parc de la Villette
- 4 Melun-Senart
- 5 Bach
- 6 Demarcation
- 7 Infrastructure
- 8 Adaption

جدول شماره ۱: معرفی برخی از نمونه‌های عملی تفکر شهرسازی منظر

نام پروژه	طراح	ویژگی‌های طرح
پارک دلاویلت پاریس (۱۹۸۲ م) در مکان: بزرگ‌ترین کشتارگاه پاریس	طرح رم کولهاس (اجرا نشده)	- طراحی پارک در قالب پنج لایه مجزا با امکان انطباق و قرارگیری بر روی یکدیگر - توجه به تجمع فعالیت‌ها و کشف همجواری روابط برنامه‌ریزی نشده میان برنامه‌های مختلف پارک - حفظ ثبات در ساختار اصلی طرح (دسترسی و عناصر بزرگ) و عدم قطعیت در تعیین فعالیت‌ها و برنامه‌ها - توجه به انطباق برنامه‌ها با تقاضاها را در طول زمان
شهر جدید ملون - سنار، فرانسه (۱۹۸۷ م) پیرامون کلانشهر پاریس	رم کولهاس (اجرا نشده)	- چارچوب طراحی فضاهای باز، زیرساخت‌ها و تسهیلات عمومی به عنوان دیاگرام برنامه‌ریزی جامع شهر - اهمیت دادن به نقش فضاهای باز در شکل‌گیری محیط و منظر فراتر از نحوه جانمایی ساختمان‌ها - طراحی آزادانه حوزه‌های محلی و جذب تغییر در طول زمان با شرط حفظ چارچوب و ساختار کلی طرح - امکان پیش‌بینی عدم قطعیت‌ها در توسعه آتی - توجه به نقش طراح فارغ از کنترل همه جانبه محیط و دادن قدرت و اختیار به شهروندان برای دخل و تصرف در فضا
پارک داونس ویو^۱ تورنتو (۲۰۰۰ م) در مکان: سایت متروکه نظامی	رم کولهاس	- ایده شهر درختی با تأکید بر اکولوژی و انحلال دوگانگی‌های شهر و طبیعت - توجه به موقعیت هیدرولوژیکی سایت و استفاده از آب برای شکل دادن فرم زمین و تنظیم برنامه‌ها - تفسیری از اکولوژی پایدار با نظامی باز، خودسازمان دهنده و سازگار - توجه به منظر در قالب دیاگرامی از دوایر به عنوان خوشه‌هایی با برنامه‌های مشخص
پارک فرش کیلز نیویورک (۲۰۰۱ م) در مکان: دفن زباله فرش کیلز	دفتر طراحی فیلد اپریشن ^۲ : به سرپرستی جیمز کرنر و استان آلن	- استفاده از منظر به عنوان ابزاری برای یکپارچه ساختن طبیعت با منظر انسان ساخت - تأکید بر زمان و فرایند بیشتر از فضا و فرم - توجه به تغییر جمعیت و تقاضاها در طول زمان و انعکاس آن در ساختار طرح - توجه به مشارکت عمومی - توجه به انواع لایه‌های پوشش گیاهی، زیست جانوری و انسانی در موازنه با نظام اکولوژیکی - ارائه سناریوی بلند مدت، پالایش سایت، احیای اکوسیستم منطقه و تقویت تنوع زیستی
پارک‌های لاین منهتن (۲۰۰۴ م) در مکان: خط آهن هوایی متروکه شهر	دفتر طراحی فیلد اپریشن: به سرپرستی جیمز کرنر	- تمرکز بر طراحی فرایند محور و استفاده از روش‌های خلاقانه در طراحی فضا - شناسایی دقیق ویژگی‌ها و قابلیت‌های لایه‌های موجود در منظر (کالبدی، طبیعی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی) و حداکثر بهره‌گیری از آنها در طراحی فضا - توجه به انعطاف‌پذیری و مرحله‌بندی طرح و تحلیل نظام‌های فرهنگی و طبیعی - استفاده از ساختار کهنه و تاریخی مسیر راه آهن و بازسازی آن به عنوان قالب طرح - به وجود آوردن فضایی در خدمت شهر، با هدف ایجاد تعاملات اجتماعی
طرح جامع بندرگاه شهر تورنتو (اراضی لاور دان)^۳ (۲۰۰۷ م)	مایکل وان و کنبورگ ^۴ و همکاران	- یکپارچه نمودن عناصر طبیعی دهانه رودخانه و بندرگاه شهر، با مکان‌سازی شهری و ایجاد چشم‌اندازی جذاب - تحلیل سایت براساس کیفیت‌های اکولوژیکی، اقلیم و شرایط زیست‌محیطی همزمان با توجه جنبه‌های اجتماعی فضا - طراحی مؤثر با درک دقیق شرایط خاک و اصلاح آن، تجهیزیات مهندسی و موضوع مالکیت
	طرح کریس رید ^۵ و همکاران	- توجه به تغییرات اکوسیستم و رشد نظام‌های طبیعی در طول زمان، هماهنگ با توسعه سکونتگاه‌های جدید - ارتباط متنوع میان فرم ساخته شده و فضای باز در مقیاس‌های متفاوت منظر - استفاده از تیم گروهی با تخصص‌های مختلف در طراحی محیط

ماخذ: نگارندگان، با اقتباس از (Burga, 2008 / Gray, 2006 / Muir, 2010 / / MVVA, 2010 / Steiner, 2011 / Waldheim, 2006 / Waldheim, 2016 / Wall, 1999)

- 1 Downsview Park
- 2 Field Operation
- 3 Lower Don Lands
- 4 Michael Van Valkenburgh
- 5 StossLU



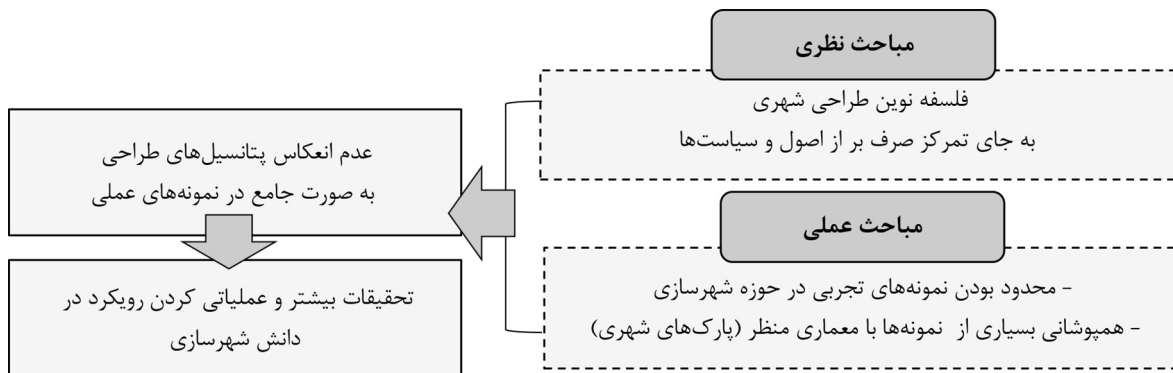
تصویر شماره ۴: اصول کلی حاکم بر تفکر شهرسازی منظر در حوزه شهرسازی

نسبت به طراحی شهری ارائه می‌دهد. با این حال حرکت روبه‌جلو این تفکر در سال‌های آتی و تعامل بیشتر با جهان واقعی می‌تواند به افزایش شفافیت متون و ارائه پیشنهادهایی منسجم در قالب راهنماهای طراحی کمک نماید (Heins, 2015).

به‌طور کلی باید بیان نمود که تفکر نوظهور شهرسازی منظر، ممکن است در برخی ابعاد، به‌ویژه نحوه انتقال مباحث نظری به حوزه عملی، دارای کاستی‌هایی باشد. اما از آنجایی که کاربرد بیشتر این نگرش به دلیل خواستگاه آن، در حوزه معماری منظر بوده است، اکثر انتقادات وارد بر آن مربوط به حوزه دانش شهرسازی و نحوه کاربرد چارچوب نظری آن در مقیاس کل شهر است که به فقدان نمونه‌های اجرایی مشخص باز می‌گردد. همان‌طور که والد‌هایم (۲۰۱۶) اشاره می‌کند، این تفکر که ابتدا از دل معماری منظر به وجود آمد، اکنون در حال گسترش مرزهای کاربردی خود، در رشته‌های طراحی و برنامه‌ریزی شهری است (Waldheim, 2016). در این راستا، درک عمیق و تحلیل صحیح از مباحث نظری و تطبیق آن با مفاهیم ایده‌پردازی، به‌عنوان بستر تفکر می‌تواند ابعاد پنهان آن را آشکار سازد. بدیهی است که تحقیقات بیشتر و عملیاتی کردن این نگرش، با تدوین اصول طراحی به منظور کاهش شکاف میان تئوری و عمل، عاملی مهم در رفع مشکلات ساختاری و شناسایی پتانسیل‌های این رویکرد نوین در حوزه شهرسازی به شمار می‌آید (تصویر شماره ۵).

جنبه‌های فرهنگی-اجتماعی فضا مدنظر قرار گرفته باشد. از طرف دیگر مفهوم پایداری اقتصادی این تفکر که متأثر از ماهیت عدم قطعیت و امکان تغییر منظر در طول زمان مورد تردید است، به چگونگی کاربرد این تفکر در محیط شهری بستگی دارد.

در زمینه تجربی بیشتر انتقادات به محدود بودن نتایج عملی (به‌ویژه در حوزه شهرسازی) و همپوشانی برخی نمونه‌ها با معماری منظر مربوط می‌شود. در این زمینه والد‌هایم (۲۰۱۶) اذعان می‌دارد که گرچه شهرسازی منظر در مقیاس منطقه به بررسی و تحلیل می‌پردازد، اما اغلب در مقیاس سایت‌های پسا صنعتی مداخله نموده است (Waldheim, 2016: 6). از دیگر انتقادات وارد بر این تفکر، فقدان راه‌حل‌های روشن (Thompson, 2012) و نداشتن مدلی برای شهرسازی در بعد اجرایی (Hill and Larsen, 2013) است که به شکاف میان تئوری و عمل (تصویر شماره ۵) می‌پردازد. آندرسون^۱ (۲۰۱۰) یکی از کسانی است که معتقد است، "شهرسازی منظر، به واسطه بلندپروازی‌های خود و فقدان درک از طراحی، در تولید فرم با شکست مواجه می‌شود" (Andersson, 2010: 83). البته باید توجه نمود که این نوع از انتقادات همواره می‌تواند بر هر چارچوب نظری نوظهوری وارد شود و در راستای رفع آن باید به شناسایی و تحلیل چالش‌ها و نحوه برخورد با آنها پرداخت. به اعتقاد هنیس^۲ (۲۰۱۵)، تفکر شهرسازی منظر، بیشتر از کاربرد تجربی، چارچوب‌های فضایی را به‌صورت نظری بیان نموده و به‌جای تعریف مجموعه‌ای از راهبردها، فلسفه و نگرشی جدید



تصویر شماره ۵: شکاف میان مباحث نظری و تجربی تفکر شهرسازی منظر

- 1 Andersson
- 2 Heins

۴. بحث و یافته‌ها

در رابطه با موضوع پایداری، منظر نقشی بنیادین در ایجاد شهرهای پایدار دارد. «منظر» به‌مثابه «بستر»، وظیفه مهمی در عملکرد و قابلیت زندگی یک شهر داشته و به‌همین دلیل باید فراتر از فضای باقی‌مانده میان ساختمان‌ها و یا توجه صرف به ابعاد زیبایی‌شناختی مکان ارزیابی گردد. از سوی دیگر در شرایط در حال تغییر و تحول کنونی، ارائه راه‌حل‌های کلی برای مشکلات شهری در قالب طرح‌هایی جامع با مرزبندی‌های دقیق، پاسخگوی انتظارات شهروندان در طول زمان نیست. بلکه ضروری است تا با بهره‌گیری از رویکردهای نوین در حوزه شهرسازی و با حرکت در مسیر پایداری برای تحقق محیط شهری مطلوب، در راستای ارائه طرح‌های تدریجی، راه‌حل‌هایی انعطاف‌پذیر و قابل انطباق با شرایط در حال تحول، همت گمارد.

با بررسی اجمالی رویکردهای معاصر طرفدار منظر پایدار در حوزه شهرسازی، که در این پژوهش در ارتباط با مبانی نظری تفکر شهرسازی منظر مورد تحلیل قرار گرفت، به نظر می‌رسد که تفکر «شهرسازی منظر» در حال حاضر، مناسبترین نگرش برای برنامه‌ریزی و طراحی منظر شهری «پایدار» است که امکان «تداوم» در مقیاس زمان را دارد. این تفکر فرارشته‌ای با بهره‌گیری از دانش‌های گوناگون دخیل در امر توسعه شهری در تلاش است تا با «کل‌نگری» بر مفهوم پویای منظر، به‌عنوان رکن اساسی طراحی شهری، درک پیچیدگی شهر معاصر و تمرکز بر فضاهای باز، با تأکید بیشتر بر «فرایند» به جای فرم، «طرح‌هایی انعطاف‌پذیر» و «سازگار» با محیط ارائه دهد.

براساس تحلیل «چارچوب نظری» تفکر شهرسازی منظر در ابعاد گوناگون، می‌توان این‌گونه بیان نمود که گرچه این نگرش بر ویژگی‌های «عدم قطعیت» و «تغییرپذیری» شهر معاصر تأکید می‌نماید، اما همواره بر «ثبات» و «حفظ کلیت ساختار اصلی شهر» در برابر «تغییر حوزه‌های محلی» و «فضاهای باز» توجه دارد. به عبارت دیگر مفهوم «پایداری» در این تفکر، هم به معنای «ثبات استخوان‌بندی اصلی شهر» و هم به مفهوم «تغییر فعالیت و برنامه‌ها» مطابق با تغییر شرایط و تقاضاها در طول زمان است. بدین ترتیب با توجه به این که تغییر مداوم زیرساخت‌های اصلی شهر همگام با تحولات جامعه، شاید امری ناممکن باشد، می‌توان در کنار استخوان‌بندی اصلی شهر که همگام با بستر طبیعی زمین شکل می‌گیرد و نیازمند پایداری است، از چارچوب نظری «شهرسازی منظر» با ویژگی «عدم قطعیت» و «تغییر» در طراحی فضاهای باز درون و پیرامون شهر و همچنین محله‌های شهری که بستر زندگی روزمره ساکنان را شکل می‌دهند و از قابلیت «انطباق» و «انعطاف‌پذیری» بیشتری در طراحی برخوردارند، استفاده نمود. در این زمینه تأکید بر «طراحی فرایند محور» بدون غفلت از فرم، «ابعاد مشارکتی» و «برنامه‌ریزی از پایین به بالا» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. توجه به فرایند «طراحی برگشت‌پذیر»، اتخاذ برنامه‌های کوتاه‌مدت و «ارزیابی» طرح‌ها حین و پس از اجرا، امکان پیش‌بینی احتمالات، بازبینی و اصلاح طرح و اثرات ناشی آن را در طول زمان فراهم نموده و باعث

می‌شود که طرح قابلیت انطباق بیشتری با محیط داشته باشد. نکته حایز اهمیت دیگر در رابطه با کاربرد این تفکر متأثر از مفهوم پایداری و دانش اکولوژی منظر، در نظر گرفتن نگاهی از مقیاس منطقه‌ای و فراتر از حوزه محلی، در بررسی منظر به عنوان بستر شکل‌گیری شهر است. این امر نه تنها سبب غنای کیفیت‌های زیستی محیطی می‌شود، بلکه جریان‌های زیستی را نیز تسهیل می‌کند. چنین رویکرد کل‌نگری به طراحی منظر شهری در قالب یک سامانه، بر مبنای تفکر شهرسازی منظر، باعث افزایش پویایی و پایداری آن در طول زمان می‌شود. بنابراین با توجه همزمان به «برنامه‌ریزی اکولوژیکی منظر» در مقیاس منطقه‌ای و «طراحی منظر در مقیاس شهر و محله»، به عنوان بافت هم‌پیوند شهری، می‌توان زمینه‌های ایجاد تعادل را در شهر و محیط پیرامون آن فراهم نمود. در این رابطه نحوه اتخاذ سیاست‌های توسعه شهری حکومت محلی، در قالب چگونگی تعیین کاربری اراضی، تراکم شهری، نظام حرکت و دسترسی، طراحی فضاهای باز و عرصه‌های عمومی باید با توجه به ارزش‌های بومی و هویتی (طبیعی و انسان‌ساخت) موجود در منظر و به‌طور کلی اکولوژی، اقلیم و فرهنگ صورت بگیرد. مسلم است که تحقق این موضوع نیاز به ارتقای سطح آگاهی جامعه، سیاست‌گذاری‌های آموزشی و جذب مشارکت تمامی افراد و نهادهای ذی‌نفع دارد. همچنین وارد نمودن مردم در فرآیندهای تصمیم‌سازی، طراحی، اجرا و نگهداری، پذیرش عمومی و مشارکت مردمی را ارتقا بخشیده و دوام و پایداری محیط را برای مدت زمان بیشتری افزایش می‌دهد.

۵. نتیجه‌گیری

در حال حاضر با شکل‌گیری مناظری نامطلوب در شهرهای ایران، به‌ویژه شهرهای بزرگ، تحقق «منظری پایدار» یکی از دغدغه‌های اصلی مسئولان و مدیران شهری است. این موضوع که بیانگر شکست سیاست‌های توسعه شهری در مواجهه با نیاز اجتماع و پیچیدگی‌های شهر در حال تحول کنونی است، ضرورت به‌کارگیری از تفکر نوین شهرسازی منظر را در تهیه طرح‌های توسعه شهری ایران دو چندان می‌سازد. اما با توجه به چارچوب نظری این پژوهش (نمودار شماره ۳)، تفکر شهرسازی منظر به منظور تبدیل شدن به شیوه‌ای کارآمد در فرایند تهیه و مطالعات طرح‌های توسعه شهری ایران، علاوه بر ابعاد محتوایی، نیاز به آماده‌سازی بستری برای تحقق چارچوب نظری خود در حوزه عمل دارد. بهره‌گیری از «ابزارهای حقوقی و قانونی»، «نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز» و توجه به «نقش فعال نهادهای محلی» در فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌های توسعه شهری و «مشارکت مردم» در شکل بخشیدن به فضا، پیش‌نیازهای لازم برای تحقق منظری پایدار در شهرهای ایران با بهره‌گیری از تفکر «شهرسازی منظر» است. به بیان دیگر کاربرد این تفکر در حوزه تجربی علاوه بر «محتوای نظری»، نیازمند بستری مطلوب است که «شرایط کاربست» آن را در نظام خود تعریف می‌کند.

۱۳

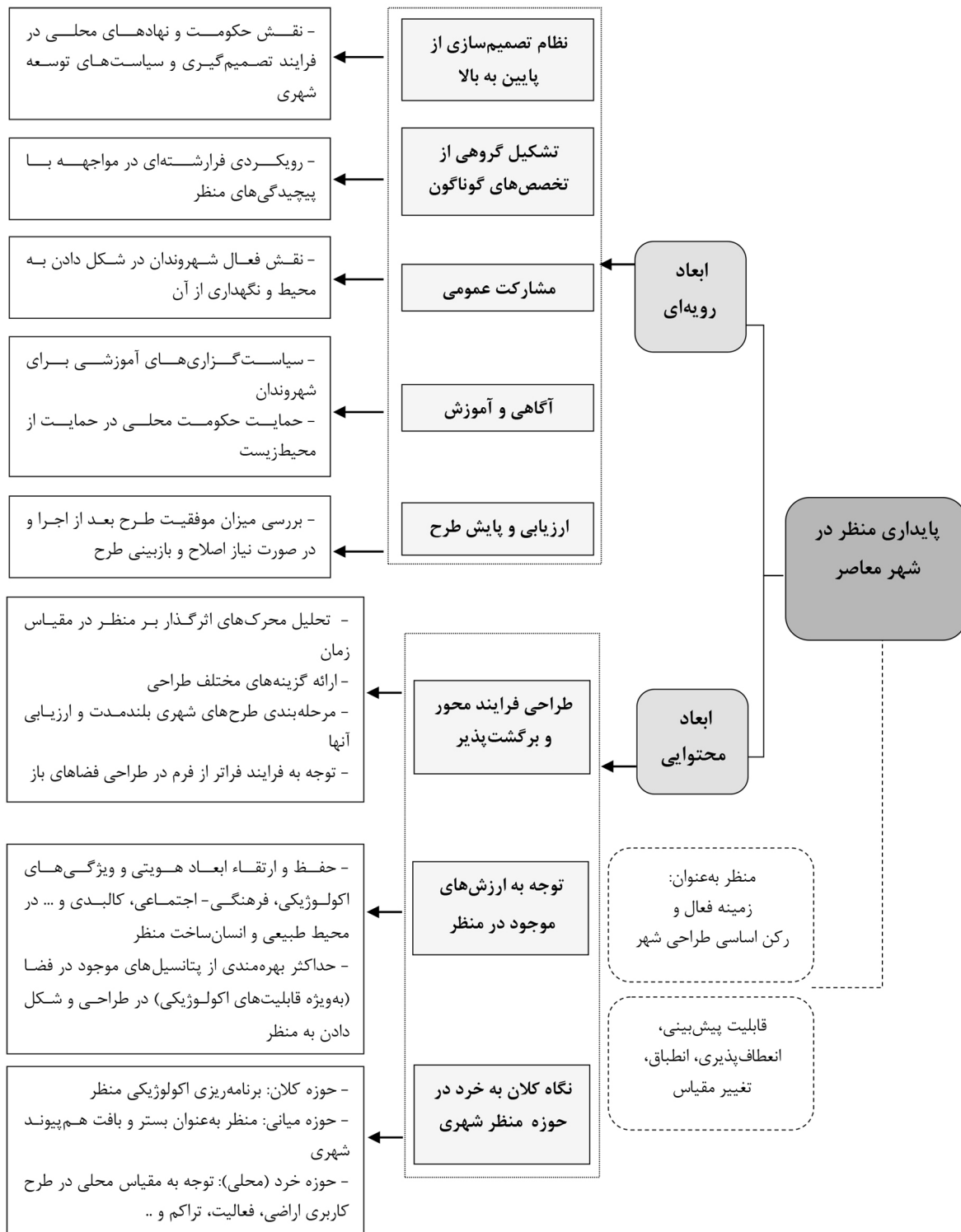
شماره سی

بهار ۱۳۹۸

فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات شهر

تبیین فرایند تحقق منظر پایدار در شهر معاصر
با بهره‌گیری از نظریه شهرسازی منظر



نمودار شماره ۳: ضرورت‌های رویه‌ای و محتوایی در فرایند تحقق منظر پایدار در شرایط پیچیده امروز

- Allen, S. (1997). From Object to Field. *Architectural Design*, 67, 24-31.
- Allen, S. (2001). *Mat Urbanism: The Thick 2-D*. In H. Sarkis (Ed.), *CASE: Le Corbusier's Venice Hospital and the Mat Building Revival*, (pp. 118-126). Munich: Prestel Publishing.

References:

- Ahern, J. (2013). Urban landscape sustainability and resilience: the promise and challenges of integrating ecology with urban planning and design. *Landscape Ecology*, 28(6), 1203-1212. doi:10.1007/s10980-012-9799-z

- Corner, J. (2006). Terra Fluxus. In C. Waldheim (Ed.), *The Landscape Urbanism Reader* (pp. 21-33). New York: Princeton Architectural Press.
- Duany, A., & Talen, E. (2013). Looking Backward: Notes on a Cultural Episode. In A. Duany & E. Talen (Eds.), *Landscape Urbanism and its Discontents: Dissimulating the Sustainable City* (pp. 1-15). Gabriola Island, BC, Canada: New Society Publishers.
- Golkar, K. (2008). Conceptual Evolution of Urban Visual Environment; from Cosmetic Approach Through to Sustainable Approach. *Environmental Sciences*, 5(4), 95-113. [in Persian]
- Golkar, K. (2011). *Creating Sustainable Place, Reflections on Urban Design Theory*. Tehran, Iran: Shahid Beheshti University Press. [in Persian]
- Gray, C. D. (2006). From Emergence to Divergence: Modes of Landscape Urbanism. (Master Master Thesis), Edinburgh College of Art. School of Architecture, Scotland. Retrieved from <https://books.google.com/books?id=oR56oAEACAAJ>
- Harvey, D. (1989). *The Condition of Postmodernity: An Enquiry into the Origins of Cultural Change*. (A. A. M. (2011), Trans.). Tehran, Iran: Pejvak Press. [in Persian]
- Heins, M. (2015). Finding Common Ground Between New Urbanism and Landscape Urbanism. *Journal of Urban Design*, 20(3), 293-302. doi:10.1080/13574809.2015.1031002
- Hill, K., & Larsen, L. (2013). Adaptive Urbanism. In A. Duany & E. Talen (Eds.), *Landscape Urbanism and its Discontents*. Gabriola Island, BC, Canada: New Society Publishers.
- Iman, M. T., & Reza, N. M. (2011). Qualitative content analysis. *Pazhuhesh*, 3(2), 15-44. [in Persian]
- Irani Behbahani, H., & Razi Moftakhar, N. (2005). Sustainable design of Sheykh Tappe Park of Orumiyeh. *Enviromental Studies*, 31(37), 89-104. [in Persian]
- Krizek, K. J., & Power, J. (1996). *A Planner Guide To Sustainable Development* (M. B. K. H. (2010), Trans.). Tabriz, Iran: Mehr e Iman Press. [in Persian]
- Lee, T.-Y. (2008). Outlining the Indeterminate Emergence: Landscape as a Framework in Contemporary Urbanism. (Master Master Thesis), Massachusetts Institute of Technology, Massachusetts.
- Lindholm, G. (2008). Landscape urbanism-large-scale architecture, ecological urban planning or a designerly research policy. Retrieved from Alnarp, Sweden: <http://>
- Aminzadeh, B. (2015). *Values in Urban Landscape Design: Sustainability, aesthetics, identity*. Tehran, Iran: University of Tehran Press. [in Persian]
- Andersson, T. (2010). Landscape Urbanism versus Landscape Design The potential of design must not be neglected. *Topos: European Landscape Magazine*, 71, 80-83.
- Assargård, H. (2011). *Landscape Urbanism- From a methodological perspective and a conceptual framework*. (Master Master Thesis), University of Agricultural Sciences Uppsala: Swedish. Retrieved from https://stud.epsilon.slu.se/2387/1/assargard_h_110325.pdf
- Bahrainy, H., Bolooki, B., & Taghabon, S. (2009). *Analysis of Contemporary Urban Design Theories*. Tehran, Iran: University of Tehran Press. [in Persian]
- Bahrainy, H., & Hosseini Vahdat, k. (2014). Spontaneous and Purposeful Shaping of Cities in the Modern and Postmodern Paradigms. *Enviromental Studies*, 40(3), 541-558. doi:10.22059/JES.2014.52204 [in Persian]
- Bahrainy, H., & Maknoon, R. (2001). Sustainable development: From Ideas to Actions. *Enviromental Studies*, 27(27), 41-60. [in Persian]
- Bahrainy, H., & Valad Khani, H. (2018). *Urban Village: A Sustainable Settlement Pattern*. Tehran, Iran: University of Tehran Press. [in Persian]
- Brown, L. J., Dixon, D., & Gillham, O. (2011). *Urban Design for an Urban Century: Placemaking for People* (H. Bahrainy, Trans.). Tehran, Iran: University of Tehran Press. [in Persian]
- Burga, H. F. (2008). RIVER+CITY+LIFE: A Guide to Renewing Toronto's Lower Don Lands. *Places* (College of Environmental Design, UC Berkeley), 20(3), 18-23.
- Campbell, S. (1996). Green Cities, Growing Cities, Just Cities?: Urban Planning and the Contradictions of Sustainable Development. *Journal of the American Planning Association*, 62(3), 296-312. doi:10.1080/01944369608975696
- Corner, J. (1999). Eidetic Operations and New Landscapes. In J. Corner (Ed.), *Recovering Landscape: Essays in Contemporary Landscape Architecture* (pp. 153-170). New York: Princeton Architectural Press.
- Corner, J. (2003). Landscape Urbanism. In M. Mostafavi & C. Najle (Eds.), *Landscape Urbanism: a manual for machinic landscape* (pp. 50-62). London: Architectural Association.

- & Francis Group.
- Shane, G. (2006). The Emergence of Landscape Urbanism. In C. Waldheim (Ed.), *The Landscape Urbanism Reader* (pp. 55-67). New York: Princeton Architectural Press.
 - Spirn, A. W. (1998). *The language of Landscapae* (H. Bahrainy & B. Aminzadeh, Trans.). Tehran, Iran: University of Tehran Press. [in Persian]
 - Stake, R. E. (1995). *The Art of Case Study Research*. London: SAGE Publications.
 - Steiner, F. (2011). Landscape ecological urbanism: Origins and trajectories. *Journal of Landscape and Urban Planning*, 100(4), 333-337. doi:10.1016/j.landurbplan.2011.01.020
 - Thompson, I. H. (2012). Ten Tenets and Six Questions for Landscape Urbanism. *Journal of Landscape Research*, 37(1), 7-26. doi:10.1080/01426397.2011.632081
 - Waldheim, C. (2006a). Introduction: A Reference Manifesto. In C. Waldheim (Ed.), *The Landscape Urbanism Reader* (pp. 13-19). New York: Princeton Architectural Press.
 - Waldheim, C. (2006b). Landscape as urbanism. In C. Waldheim (Ed.), *The Landscape Urbanism Reader* (pp. 35-53). New York: Princeton Architectural Press.
 - Waldheim, C. (2016). *Landscape as Urbanism: A General Theory*. New Jersey: Princeton University Press.
 - Wall, A. (1999). Programming the Urban Surface. In J. Corner (Ed.), *Recovering Landscape: Essays in Contemporary Landscape Architecture* (pp. 233-249). New York: Princeton Architectural Press.
 - Weller, R. (2006). An Art of Instrumentality: Thinking Through Landscape. In C. Waldheim (Ed.), *The Landscape Urbanism Reader* (pp. 71-85). New York: Princeton Architectural Press.
 - Weller, R. (2008). Landscape (Sub)Urbanism in Theory and Practice. *Landscape Journal*, 27(2), 255-278.
 - tintin.arch.chalmers.se/aktuellt/PDFs/Lindholm_Landscape%20Urbanism.pdf.
 - Lynch, K. (2005). *A Theory of City Form* (H. Bahrainy, Trans.). Tehran, Iran: University of Tehran Press. [in Persian]
 - Masnavi, M. R., & Soltanifard, H. (2007). Complex landscape and landscape complexity, the role of complexity in sustainability of ecological systems. *Environmental Sciences*, 4(4), 85-100. [in Persian]
 - Mcharg, I. L. (2007). *Design with Nature* (H. Vahabzadeh., Trans.). Mashhad, Iran: Mashhad University Jahad Press. [in Persian]
 - Moughtin, C. (2005). *Urban Design Green Dimensions* (K. Mehrabani, Trans.). Tehran, Iran: processing and urban planning publishing.
 - Muir, L. (2010). *Mapping Landscape Urbanism*. (Master Master Thesis), University of Manitoba, Canada.
 - MVVA. (2010). *Lower Don Lands Framework Plans*. Retrieved from <http://www.waterfrontoronto.ca>
 - Parivar, P., Faryadi, S., Yavari, A. R., Salehi, E., & Harati, P. (2013). Developing the Ecological Sustainable Strategies to increase Urban Environmental Resilience: (Case Study: Districts 1 and 3 of Tehran Municipality). *Environmental Studies*, 39(1), 123-132. doi:10.22059/JES.2013.30393
 - Pollak, L. (2006). Constructed Ground: Questions of Scale. In C. Waldheim (Ed.), *The Landscape Urbanism Reader* (pp. 125-140). New York: Princeton Architectural Press.
 - Prominski, M. (2005). Designing Landscapes as Evolutionary Systems. *The Design Journal*, 8(3), 25-34.
 - Rafeian, M., & Maroofi, S. (2012). Theoretical Application of Collaborative Planning in New Urban Planning Theories. *Armanshahr, Architecture & Urban Development*, 4(7), 113-120. [in Persian]
 - Roe, M. (2007). The Social Dimensions of Landscape Sustainability. In J. Benson & M. Roe (Eds.), *Landscape and Sustainability* (pp. 58-83). London: Routledge, Taylor & Francis.
 - Selman, P. (2007). Landscape and sustainability at the national and regional scales. In J. Benson & M. Roe (Eds.), *Landscape and Sustainability* (pp. 104-117). London: Routledge, Taylor & Francis.
 - Selman, P. (2012). *Sustainable Landscape Planning: The Reconnection Agenda*. London: Routledge, Taylor